

رویکرد روسیه به مسئولیت پشتیبانی در بحرانهای منطقه‌ای و بین‌المللی

دکتر رضا سیمبر - استاد روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان
سینا عمادی - دانشجوی دکتری روابط بین‌الملل دانشگاه گیلان

درآمد

مسئولیت پشتیبانی گرچه مفهومی تازه و پدید آمده در سده ۲۱ در حقوق و روابط بین‌الملل است، ولی پیش از این با مفاهیمی چون حقوق بشر، امنیت انسانی، دخالت بشردوستانه، حق حاکمیت به مثابه مسئولیت و عدالت انتقالی نزدیکی داشته و در این چارچوبها تعریف شده بود. برداشت کلی از این مفهوم، برتری حقوق بشر بر حاکمیت ملی بویژه به هنگام پیش آمدن بحرانهای انسانی است. در این زمینه ممکن است برای تأمین امنیت جمعیت مورد تهدید، کارهایی از سوی نظام بین‌الملل و بویژه از سوی شورای امنیت انجام گیرد. چالش بزرگ در این میان، رکن سوم مسئولیت حمایت است که بر حمله نظامی در پشتیبانی از حقوق بشر (تأمین امنیت شهروندان مورد تهدید) دلالت دارد. توافق بر سر اجرای این اصل در شورای امنیت سازمان ملل همواره با چالشهای بزرگی روبه‌رو بوده و در بسیاری موارد این‌گونه حمله‌ها با وتو قدرتهای بزرگ

منتفی شده است.

در این زمینه نقش روسیه برجسته‌تر از دیگر بازیگران بوده و این‌گونه قطعنامه‌ها بیشتر با واکنش منفی (وتو) روسیه روبه‌رو شده است. شناخت رویکرد روسیه به مسئولیت پشتیبانی و بررسی علل و عوامل اثرگذار بر این رویکرد، هدف این پژوهش است و برای پاسخ دادن به پرسشها در این زمینه، با بهره‌گیری از روش تطبیقی، سه بحران منطقه‌ای و بین‌المللی گرجستان، لیبی و سوریه بررسی شده است. گزینش این سه بحران با توجه به نقش کارساز روسیه و همچنین استناد قدرتهای درگیر، به مسئولیت پشتیبانی از حقوق بشر برای توجیه حمله نظامی بوده است. گذشته از این، به پرسشهای دیگری از این دست که آیا رفتار روسها در بحرانهای سه‌گانه، بیشتر بر ابعاد حقوقی مسئولیت پشتیبانی استوار بوده یا نگرش سیاسی، یا رویکرد روسیه به مسئولیت پشتیبانی چه ناهمسانیها و همسازیهایی با اصول سیاست خارجی آن

● برداشت کلی از مسئولیت پشتیبانی، برتری حقوق بشر بر حاکمیت ملی بویژه به هنگام پیش آمدن بحرانهای انسانی است. اصل مسئولیت پشتیبانی بر سه عنصر کلیدی استوار است: بازدارندگی، واکنش و بازسازی. بازدارندگی عنصر برتر است و همه راههای بازدارندگی باید پیش از به کار گرفته شدن راهبرد نظامی پیموده شود.

ژنوساید، جرایم جنگی، پاکسازی قومی و جنایت نسبت به بشریت می‌پذیرند؛ ۲) دولتهای حاضر، متعهد می‌شوند دولت مورد نظر را برای فراهم آوردن زمینه ایفای تعهداتش در برابر شهروندانش کمک کنند؛ ۳) تعهد می‌کنند که چنانچه دولت میزبان آشکارا قادر یا مایل به ایفای تعهداتش در برابر شهروندانش نباشد، با بهره‌گیری از همه شیوه‌های مسالمت‌آمیز برای پشتیبانی از مردمان، دست به کار شوند؛ ۴) موافقت می‌کنند چنانچه کاربست همه شیوه‌های مسالمت‌آمیز یادشده به نتیجه نرسد، این مسئولیت به شورای امنیت واگذار شود تا شورا از راهها و با شیوه‌های بایسته، از جمله دخالت نظامی، اوضاع را سامان بخشد. (شهبازی، ۱۳۹۴: ۱۰۲)

اصل مسئولیت پشتیبانی بر سه عنصر کلیدی استوار است: بازدارندگی، واکنش و بازسازی. بازدارندگی عنصر برتر است و همه راههای بازدارندگی باید پیش از به کار گرفته شدن راهبرد نظامی پیموده شود.

در مرحله واکنش، پس از آنکه همه اقدامات پیشگیرانه با ناکامی روبه‌رو شد، اجرای مسئولیت پیشگیری از سوی جامعه بین‌المللی جای خود را به مسئولیت واکنش می‌دهد. مسئولیت واکنش، خود در دو مرحله و با دو رشته اقدامات اجرایی متفاوت در برابر نقض شدید و گسترده حقوق بشر به صورت نسل‌کشی، جنایت جنگی، پاکسازی نژادی و جنایت نسبت به بشریت، به اجرا درمی‌آید. در مرحله نخست، اقداماتی باید انجام گیرد که جنبه نظامی ندارد، بدین معنا که پیش از رو کردن به هرگونه گزینه نظامی، باید

کشور در این مقاطع زمانی داشته، پرداخته شده است.

۱- مسئولیت پشتیبانی چیست؟

طرح آموزه مسئولیت پشتیبانی در نخستین دهه سده بیست و یکم، امید بسیار پدید آورد که پاره‌ای ناهنجاریها در زمینه دخالت بشردوستانه، همچون «گزینش‌گری» و «اثرگذاری منافع ملی و خواستههای سیاسی دولت دخالت‌گر» پدید آورد. (ذاکریان و حیدری‌پور، ۱۳۹۵: ۵۱) پیش از آن، کاستیها و نارساییهای موجود در ساختار نظام حقوق بین‌الملل، مایه شکست جامعه بین‌المللی در نشان دادن واکنش درخور و بهنگام به رویدادهای خونبار و هراس‌انگیزی چون بحرانهای رواندا و یوگسلاوی در دهه ۱۹۹۰ شده بود. از این‌رو تلاش شد تا با مسئول و مکلف شناختن دولتها، گامی در راستای نجات و دفاع از انسانها در اوضاع مخاطره‌آمیز برداشته شود و این اندیشه در نظریه مسئولیت پشتیبانی نمود یافت. در پنجاه و چهارمین نشست سالانه مجمع عمومی سازمان ملل در ۱۹۹۹، کوفی عنان دبیرکل وقت از کشورهای عضو سازمان خواست برای جلوگیری از پیش آمدن «رواندایی دیگر» بر سر موضوع دخالت بشردوستانه توافق کنند. در پاسخ به درخواست دبیرکل، دولت کانادا کمیسیون بین‌المللی حاکمیت دولت و دخالت را در سپتامبر ۲۰۰۰ برای یافتن راهکاری در زمینه دخالت بشردوستانه به ریاست گارث ایوانز وزیر امور خارجه پیشین استرالیا برپا کرد. این کمیسیون در دسامبر ۲۰۰۱ گزارش ۹۰ صفحه‌ای خود را با عنوان «مسئولیت پشتیبانی» منتشر ساخت. سپس این مفهوم در گزارش ۲۰۰۴ هیأت بلندپایه سازمان ملل زیر عنوان «جهان امن‌تر، مسئولیت مشترک ما» و گزارش ۲۰۰۵ دبیرکل وقت سازمان ملل زیر عنوان «در آزادی گسترده‌تر» مورد تأیید قرار گرفت و سرانجام بعنوان یک هنجار تازه در بندهای ۱۳۸ و ۱۳۹ سند نهایی نشست دولتها در سپتامبر ۲۰۰۵ پذیرفته شد. (Badescu, 2011: 2-3) نتیجه این نشست، شناسایی مؤلفه‌های چهارگانه مسئولیت پشتیبانی بود که بر پایه آن: ۱) دولتهای حاضر، مسئولیت پشتیبانی از شهروندان را در برابر

نمی‌شود، هنوز در پیمانی بین‌المللی نیامده، جایگاهی عرفی در حقوق بین‌الملل پیدا نکرده و بعنوان یک اصل کلی حقوقی هم شناخته نمی‌شود؛ بلکه بیشتر یک مفهوم سیاسی چند لایه است، مبتنی بر اصول جاری حقوق بین‌الملل. مسئولیت پشتیبانی، چارچوب حقوقی کاربرد زور را به گونه‌ای که در فصل هفتم منشور سازمان ملل آمده، تغییر نمی‌دهد. گذشته از آن، مسئولیت پشتیبانی، وظایف حقوقی بیشتری به دوش دولتها یا نهادهای بین‌المللی همچون شورای امنیت نمی‌گذارد. تأیید این مفهوم در سازمان ملل متحد، به معنای تعهد سیاسی یا اخلاقی دولتها به اجرای وظایف مقرر در حقوق معاهده‌ای و حقوق بین‌الملل عرفی است. (Garwood, 2013: 600)

۲- مشکلات ساختاری دخالت بشردوستانه

دخالت بشردوستانه که در چارچوب مسئولیت پشتیبانی جای گرفته، همواره با چالشها و نقدهای بسیار از سوی دولتها و پژوهشگران روبه‌رو بوده است. از دید رولند پاریس، این چالشها و نقدها برخاسته از برخی مشکلات ساختاری در این اصل است:

الف: وجود انگیزه‌های مختلط

منطق دخالت بشردوستانه، بر نوع دوستی بشر استوار است: پیشگیری از کشتار و خشونت‌ورزی جمعی. اگر این منطق را کنار بگذاریم، نام این دخالت همان جنگ است. در حقوق بین‌الملل هنوز مرز میان این دو، چندان روشن نیست. در عمل هم بسی دشوار است که بپذیریم دخالت نظامی تنها با انگیزه بشردوستی انجام می‌گیرد و پژوهشها درباره عملیات نظامی پس از جنگ سرد نیز بر این نکته مهر تأیید می‌زند. به سخن دیگر، بشردوستانه بودن این عملیات محل تردید است زیرا در کنار آن، منافع قدرتها و دخالتگران نیز مطرح است. (Paris, 2014: 572)

ب: نمایش غیر واقعیت

دومین مشکل ساختاری اصل دخالت بشردوستانه، اثبات و نمایش سودمندی این عملیات است. در این گونه عملیات، دخالتگران برای اینکه حمله را توجیه کنند، می‌کوشند نشان دهند که اگر این کار انجام نمی‌گرفت،

اقدامات اقتصادی، سیاسی، امنیتی، حقوقی، اجتماعی و فرهنگی لازم به عمل آید تا کشور مزبور ناگزیر از دست کشیدن از جنایت در زمینه حقوق بشر شود. سپس، با شکست اقدامات کمتر قهری در مرحله نخست ایفای مسئولیت واکنش، چنانچه جنایات به اندازه‌ای گسترده و سنگین باشد که وجدان بشریت را آزرده سازد، اجرای مسئولیت پشتیبانی از سوی جامعه بین‌المللی در موارد استثنایی و با در نظر گرفتن چندوچون همان قضیه، معطوف به کاربرد نیروی نظامی خواهد شد. (سواری و حسینی بلوچی، ۱۳۹۰: ۱۹۴)

درباره حقوقی یا سیاسی بودن اصل مسئولیت پشتیبانی، دیدگاهها همسان نیست و مفهومی مشترک میان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید. منتقدان اصل مسئولیت پشتیبانی، آنرا سیاسی می‌دانند و می‌گویند این اصل، آموزه‌ای حقوقی نیست و جایگاه عرفی در حقوق بین‌الملل ندارد. در برابر، موافقان برآنند که اصل مسئولیت پشتیبانی، پیش از این هم بخشی از حقوق بین‌الملل بوده است و در این زمینه برای نمونه بر کنوانسیون ژنوساید ناظر به تعهدات دولتها در قبال مردمان خودی و دیگران انگشت می‌گذارند. به سخن دیگر، مسئولیت پشتیبانی مفهوم تازه‌ای نیست و چیزی را در زمینه تأمین صلح و امنیت بین‌المللی و کاربرد زور تغییر نداده است. (Bohm, 2016: 23)

امروزه، مسئولیت پشتیبانی، قانونی بین‌المللی استوار بر منابع رسمی حقوق بین‌الملل شمرده

● درباره حقوقی یا سیاسی بودن اصل مسئولیت پشتیبانی، دیدگاهها همسان نیست و مفهومی مشترک میان حقوق بین‌الملل و روابط بین‌الملل به‌شمار می‌آید. منتقدان اصل مسئولیت پشتیبانی، آنرا سیاسی می‌دانند و می‌گویند این اصل، آموزه‌ای حقوقی نیست و جایگاه عرفی در حقوق بین‌الملل ندارد. در برابر، موافقان برآنند که اصل مسئولیت پشتیبانی، پیش از این هم بخشی از حقوق بین‌الملل بوده است و در این زمینه برای نمونه بر کنوانسیون ژنوساید ناظر به تعهدات دولتها در قبال مردمان خودی و دیگران انگشت می‌گذارند.

● امروزه، مسئولیت پشتیبانی، قانونی بین‌المللی استوار بر منابع رسمی حقوق بین‌الملل شمرده نمی‌شود، هنوز در پیمانی بین‌المللی نیامده، جایگاهی عرفی در حقوق بین‌الملل پیدا نکرده و بعنوان یک اصل کلی حقوقی هم شناخته نمی‌شود؛ بلکه بیشتر یک مفهوم سیاسی چند لایه است، مبتنی بر اصول جاری حقوق بین‌الملل.

آن حاکمیت به صورت مطلق دیده نمی‌شود بلکه با نوعی مسئولیت همراه است. کشمکش میان این دو، در رفتارهای روسیه هم دیده می‌شود. (Garwood,2013:598)

در سده بیستم، اتحاد جماهیر شوروی، حاکمیت دولت را از اصول بنیادی حقوق بین‌الملل می‌دانست و به مقولاتی همچون حاکمیت مردمی و حقوق بشر و... که از سوی غرب و بویژه آمریکا ترویج می‌شد، روی خوش نشان نمی‌داد. از دید اتحاد جماهیر شوروی، حاکمیت، اصلی بود مطلق و محدود ناشدنی و در این زمینه برخی پژوهشگران روسی هم منتقد برداشتهای غربی از حقوق بین‌الملل و ایده حکومت جهانی در حقوق بین‌الملل آینده بودند. ولی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، کسانی که به جایگاه اشخاص در حقوق بین‌الملل باور دارند، خواستار دوری روسیه از گذشته امپریالیستی و اقتدارگرایانه‌اش شده‌اند. با اینکه قانون اساسی جدید روسیه در ۱۹۹۳ دریچه‌ای به روی حقوق افراد گشوده، آنچه در عمل دیده می‌شود، دولت‌گرایی روسیه است. (Baaz,2015:269)

در واقع در دوران اتحاد جماهیر شوروی، حقوق بین‌الملل بر صلح، امنیت و کنترل سرزمینی تمرکز ویژه داشت و کمتر به حقوق بشر می‌پرداخت. دریافت امروز روسیه از حقوق بین‌الملل نیز بیشتر دریافتی مبتنی بر همزیستی است تا شناسایی آن بعنوان ابزاری برای افزایش همکاری. رهبران امروزی روسیه نیز همچنان پیرو ایستار اتحاد جماهیر شوروی و هوادار یک لایه نازک از جامعه بین‌المللی هستند. روسیه در پی برقراری نوعی توازن میان همزیستی و رقابت در فضاهای بزرگتر و ایجاد یک بدیل برای جهان غربی

چه می‌توانست پیش آید. (paris,2014:574)

پ: خسارت آشکار

نکته دیگر در زمینه دخالت بشردوستانه، هزینه‌ها و زیانهای است که این کار می‌تواند به بار آورد. این عملیات همواره موجب آسیبهای جانبی مادی و کشته شدن غیرنظامیان می‌شود که اثری سنگین بر افکار عمومی دارد. از این رو، چه بسا برخی دولتهای دخالت‌جو در رفتار خود بازنگری کنند و درحالی‌که عملیات هنوز جریان دارد، از آن کناره گیرند.

ت: تغییر رژیم

در مواردی، دخالت نیروهای خارجی برای تأمین امنیت شهروندان مورد تهدید، می‌تواند به از میان رفتن منبع تهدید که ممکن است دولت یک کشور باشد، بینجامد؛ چیزی که نه تنها فراتر از هدف اصلی عملیات یعنی پیشگیری از کشتار است، بلکه پرسشهایی درباره انگیزه دخالتگران نیز پیش می‌آورد. (paris,2014:576)

ث: دریافت‌های ناهمخوان از تهدید

مشکل دیگر، ناهمخوان بودن واکنشهای بین‌المللی به مسأله کشتار جمعی است. در برخی موارد وضع به گونه‌ای است که شهروندان یک کشور سخت در معرض تهدید هستند ولی بازیگران بیرونی به عللی نمی‌توانند دخالت کنند یا راه دخالت را در پیش نمی‌گیرند. برای نمونه، ممکن است دریافت‌های گوناگون از ماهیت، شدت و فوریت تهدید وجود داشته باشد که رسیدن به توافق بر سر اقدام بین‌المللی را ناممکن سازد؛ یا رویدادها سریعتر از آنچه انتظار می‌رفته گسترش یابد و تصمیم‌گیری را دشوار کند؛ یا دخالت‌کنندگان احتمالی، دست زدن به اقدام را همخوان با منافعشان نبینند و از آن چشم‌پوشی کنند. (paris,2014:578)

هر یک از این پنج مشکل ساختاری، موجب معماگونه شدن مسئولیت پشتیبانی می‌شود.

۳- دیدگاه روسیه درباره مسئولیت پشتیبانی: برتری

حاکمیت در سنجش با حقوق بشر

مسئولیت پشتیبانی، مفهومی است در چارچوب رابطه میان حاکمیت دولت و حقوق بشر که برپایه

می‌گوید: «بر پایه قانون اساسی، روسیه متعهد به پشتیبانی از شهروندان روس است، بویژه زمانی که مورد تازش نظامی قرار گرفته باشند. بر پایه قانون اساسی، مسئولیت پشتیبانی وجود دارد، همانند مسئولیتی که سازمان ملل در مورد آفریقا دارد، ولی برای ما، حوزه این مسئولیت آفریقا نیست بلکه منطقه نزدیک ماست، جایی که شهروندان روس در آن زندگی می‌کنند.» (Rae and Orchard, 2016:7)

برسره‌م، روسیه بیشتر مخالف گسترش دامنه مسئولیت پشتیبانی بوده و آنرا مایه تضعیف و به چالش کشیده شدن برخی اصول حقوق بین‌الملل همچون اصل عدم دخالت و اصل حاکمیت دولتها دانسته است. در جریان بحث بر سر مسئولیت پشتیبانی در سازمان ملل، روسیه سرانجام این مفهوم را پذیرفت ولی آشکارا تأکید کرد که هرگونه اقدام زیرعنوان دخالت بشردوستانه، باید با اجازه شورای امنیت باشد. این شیوه نگرش به مسئولیت پشتیبانی، هرگاه رسیدگی به بحرانهای انسانی در دستور کار شورای امنیت سازمان ملل بوده، در رفتار روسیه نمود یافته، به گونه‌ای که روسیه همواره قطعنامه‌های مرتبط با مسئولیت پشتیبانی را وتو کرده یا به آنها رأی ممتنع داده است. (Laskari and Kreutz, 2015:6)

در زیر، به بررسی رویکرد روسیه به اصل مسئولیت پشتیبانی در سه بحران گرجستان، لیبی و سوریه خواهیم پرداخت.

۴- رویکرد روسیه به مسئولیت پشتیبانی در بحرانهای گرجستان، لیبی و سوریه

الف - بحران گرجستان: استناد به مسئولیت پشتیبانی

ارتش گرجستان در هشتم اوت ۲۰۰۸ با حمله به نیروهای روسی پاسدار صلح، شهر تسخینوالی مرکز اوستیای جنوبی را تصرف کرد، ولی فردای آن روز ناگزیر از پذیرش شکست و عقب‌نشینی از آن شهر شد و روسها نه تنها تسخینوالی، که گوری و پوتی در غرب تفلیس را گرفتند و در ۱۲ اوت عملیات نظامی روسها به پایان رسید. (قامت، ۱۳۸۸:۱۷۱)

است و همچون دیگر قدرتهای بزرگ، به حقوق بین‌الملل بعنوان ابزاری در سیاست خارجی خود می‌نگرد. (Baaz, 2015:271)

روسیه در سال ۲۰۰۵ اعلامیه نهایی نشست یاد شده مبنی بر شناسایی آموزه مسئولیت پشتیبانی را پذیرفت، ولی رویکردش به مسئولیت پشتیبانی دوسویه بوده است. برسره‌م، دولت روسیه به شاخصهای مسئولیت پشتیبانی بدین است و آنرا ناسازگار با مفهوم سنتی حاکمیت می‌داند.

دولت روسیه خود را مدافع مفهوم سنتی حاکمیت خودداری از دخالت در امور داخلی دیگر کشورها و هوادار ساختار کنونی سازمان ملل و شورای امنیت نشان داده و بارها رفتارهای آسیب‌زننده به اصل استقلال حاکمیت را به باد انتقاد گرفته است. (Rae and Orchard, 2016:5)

در سند سیاست خارجی روسیه در ۲۰۱۳ آمده است: برخی رفتارها به بهانه پشتیبانی از انسانها، اقتدار قانونی دولتها را به نابودی می‌کشاند و تنها به گسترش برخورد، افزایش تنش و رقابت تسلیحاتی میان دولتها و بالا گرفتن کشمکشهای مذهبی و قومی می‌انجامد. (<http://archive.mid.ru>)

ولی از سوی دیگر، روسیه در زمینه پشتیبانی از شهروندان و نیز دولتهایی که آنها را همپیمان تاریخی خود می‌شناسد، چندان به حاکمیت سنتی روی خوش نشان نمی‌دهد. به سخن دیگر، زمانی که پای خواست و منافع روسیه در میان باشد، این اصل نادیده گرفته می‌شود. برای نمونه، لاوروف وزیر خارجه روسیه

● منطق دخالت بشردوستانه، بر نوع دوستی بشر استوار است: پیشگیری از کشتار و خشونت‌ورزی جمعی. اگر این منطق را کنار بگذاریم، نام این دخالت همان جنگ است. در حقوق بین‌الملل هنوز مرز میان این دو، چندان روشن نیست. در عمل هم بسی دشوار است که بپذیریم دخالت نظامی تنها با انگیزه بشردوستی انجام می‌گیرد و پژوهشها درباره عملیات نظامی پس از جنگ سرد نیز بر این نکته مهر تأیید می‌زند.

● در دوران اتحاد جماهیر شوروی، حقوق بین‌الملل بر صلح، امنیت و کنترل سرزمینی تمرکز ویژه داشت و کمتر به حقوق بشر می‌پرداخت. دریافت امروز روسیه از حقوق بین‌الملل نیز بیشتر دریافتی مبتنی بر همزیستی است تا شناسایی آن بعنوان ابزاری برای افزایش همکاری. رهبران امروزی روسیه نیز همچنان پیرو ایستار اتحاد جماهیر شوروی و هوادار یک لایه نازک از جامعه بین‌المللی هستند. روسیه در پی برقراری نوعی توازن میان همزیستی و رقابت در فضاهای بزرگتر و ایجاد یک بدیل برای جهان غربی است و همچون دیگر قدرتهای بزرگ، به حقوق بین‌الملل بعنوان ابزاری در سیاست خارجی خود می‌نگرد.

قدرت و نفوذ خود در منطقه بود به چالش کشید. از آن زمان، روسیه سکوت و انفعال در برابر رفتارهای غرب در حوزه پیرامونی خود را کنار گذاشت. (شیرازی و نادری، ۱۳۸۹: ۴)

در واقع می‌توان گفت که بازنگری در نقش مسلط دولتهای غربی بویژه آمریکا و رعایت نشدن هنجارهای بنیادی و پاره‌ای توافقیها از سوی آنها، از جمله دستاویزهای روسها برای توجیه کاربرد آموزه مسئولیت پشتیبانی در گرجستان بوده است. رهبران روسیه بارها بدینی خود نسبت به انگیزه‌های واقعی دولتهای غربی در جریان دخالت‌های نظامی و بهره‌گیری آنها از مباحث بشردوستانه را ابراز کرده بودند، از جمله در مورد دخالت نظامی در کوزوو. روسها به استانداردهای دوگانه غرب در نگاه به آموزه‌های بشردوستانه انتقاد داشتند ولی با بهره‌گیری از همین اصل، دخالت نظامی خود در اوستیای جنوبی و گرجستان را توجیه کردند. (Moll Austgulen, 2014:74)

ولی قانونی بودن دخالت نظامی با هدفهای بشردوستانه، بی‌مجاز قبلی شورای امنیت، همواره مورد اختلاف بوده است. حقوق بین‌الملل معاصر، تعهد به دخالت را توصیه نمی‌کند. (Peters, 2009: 538)

علت اصلی مخالفت با دخالت یکسویه این است که تا زمانی که ملاک روشن و پذیرفته شده‌ای برای

دولت روسیه مدعی شد که این اقدام نظامی با هدف «دفاع از خود» و بر پایه ماده ۵۱ منشور ملل متحد بوده، زیرا نیروهای حافظ صلح این کشور در تسخینوالی زیر آتش گرجی‌ها قرار گرفته و چندین تن از آنان جان خود را از دست داده بودند و پشتیبانی فوری از این نیروها ضرورت داشته است.

رییس‌جمهوری روسیه در هشتم اوت با صدور بیانیه‌ای «حمله گرجستان به مرکز منطقه اوستیا» را نقض فاحش اختیاراتی خواند که جامعه بین‌المللی در فرایند صلح به روسیه داده بود و استقرار لشکر ۵۸ روسیه و دیگر واحدهای نظامی در اوستیای جنوبی را «تقویت نیروهای حافظ صلح روسی» توصیف کرد. (سلطانزاده، ۱۳۸۸: ۹۵۷)

دستاویز دولت روسیه برای توجیه کاربرد زور در برابر گرجستان، مسئولیت پشتیبانی بود. ویتالی چورکین، نماینده دائم روسیه در نشست شورای امنیت در هشتم اوت گفت: اگر عنوان «پاکسازی نژادی» به اقدامات گرجستان داده نشود، کاربرد چه واژه‌ای برای توصیف آواره کردن ۳۰ هزار تن از ۱۰۰ هزار تن جمعیت اوستیا مناسب است؟ آیا نمی‌توان کشتار ۲۰۰۰ تن از ۱۰۰/۰۰۰ تن کل ساکنان اوستیا را «ژنوساید» دانست؟ (Moll Austgulen, 2014:46)

پوتین نخست‌وزیر روسیه هم در دهم اوت اعلام کرد: «ما شاهد نوعی ژنوساید در اوستیا هستیم». (همان: ۹۵۸)

وزیر خارجه روسیه نیز در سخنانی در شصت و سومین نشست مجمع عمومی سازمان ملل در ۲۷ سپتامبر ۲۰۰۸ بار دیگر به اصل «مسئولیت پشتیبانی» برای توجیه رفتار کشورش استناد کرد و گفت «روسیه برای رفع تجاوز به اوستیا کمک کرده و وظیفه پشتیبانی از شهروندان و حفظ صلح را انجام داده است». (همان: ۹۵۹)

بحران اوستیای جنوبی نقطه عطفی در راهبردهای روسیه به‌شمار می‌رود. روسیه در تلاش برای بازیابی قدرت از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی، خیز بزرگی در راستای تقویت جایگاه بین‌المللی خود برداشت و سیاستهای آمریکا را که در پی افزایش

جنوبی از راه کنسولگری ویژه خود در سوچی، آنان را به تابعیت روسیه درآورده بوده که گونه‌ای الحاق غیرمستقیم این دو منطقه به روسیه قلمداد می‌شود. نکته دوم، کاربرد زور به استناد اصل پشتیبانی از اتباع، مربوط به حقوق بین‌الملل کلاسیک است و در حقوق بین‌الملل امروزی جایی ندارد، زیرا کمتر کشوری در جهان یافت می‌شود که به لحاظ نژادی، قومی، زبانی یا مذهبی یکسره همگن باشد. روشن است که همواره در بیشتر کشورها شهروندانی بعنوان اقلیت وجود دارند و از این رو این‌گونه مسائل که نمایانگر همان «دکترین مونروئه روسی» است و بر پایه اصل ۶۱ قانون اساسی روسیه (پشتیبانی از اتباع روسیه بیرون از قلمرو سرزمینی) توجیه می‌شود، نمی‌تواند بهانه و دستاویزی برای تجاوز به کشور دیگر باشد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۲۱)

ب - بحران لیبی: انتظار تا واکنش

در پی بالا گرفتن اعتراضها در برخی کشورهای همسایه لیبی همچون تونس و مصر، دامنه این موج به لیبی هم رسید. ناآرامی از ۲۳ دی ۱۳۸۹ (۱۵ فوریه ۲۰۱۱ میلادی) آغاز شد و در ۲۸ و ۲۹ بهمن سخت‌گسترش یافت که در بنغازی دومین شهر لیبی و بیضا با درگیری خونین همراه بود و در طرابلس، پایتخت لیبی با حمله جنگنده‌های نیروی هوایی دولت روبه‌رو شد. با افزایش حملات دولت به مخالفان، شورای امنیت ۴۴ روز پس از آغاز اعتراضها برپایه قطعنامه ۱۹۷۰ در هفتم اسفند ۱۳۸۹ (۲۶ فوریه ۲۰۱۱) که با اجماع به تصویب رسید معمر قذافی رهبر لیبی و نزدیکان او را تحریم کرد و خواهان محاکمه او در دیوان کیفری بین‌المللی به جرم جنایت نسبت به بشریت شد. رفته‌رفته بیشتر شهرهای لیبی از شرق به غرب به‌دست مخالفان دولت افتاد.

با بدتر شدن اوضاع و افزایش خشونت دولت در برابر مخالفان، شورای امنیت در ۱۷ مارس ۲۰۱۱ میلادی (۲۷ اسفند) با تصویب قطعنامه ۱۹۷۳ پرواز هواپیماها بر فراز لیبی را ممنوع اعلام کرد و به دیگر کشورها اجازه داد که برای اجرای این دستور، برقراری آتش‌بس و دفاع از غیرنظامیان «همه راهکارهای لازم» و

قانونی بودن دخالت وجود نداشته باشد، دولت‌های نیرومند از این آموزه برای رسیدن به هدفهای خود بهره‌برداری می‌کنند. (Molier, 2006: 45)

اگر در گرجستان هر اقدامی از روا داشتن نابرابری و رفتار غیرانسانی و ناقض حقوق شهروندان اوستیای جنوبی گرفته تا دست زدن نیروهای مسلح گرجستان به کشتن ۲۰ صلحبان روسی صورت گرفته باشد (چنان که دولت روسیه برای قانونی جلوه دادن دخالت نظامی خود ادعا می‌کند) برپایه ماده ۲۳۹ منشور، مرجع تشخیص و شناخت این اقدامات بعنوان تهدیدکننده صلح، ناقض صلح یا تجاوز، تنها شورای امنیت است نه کشوری همچون روسیه. بدین‌سان، چنان‌که «ایوساندوز» می‌گوید، دخالت مسلحانه یک دولت در کشوری دیگر برای پایان دادن به نقض گسترده و فاحش حقوق بشر، جایگاهی در نظام پیش‌بینی شده از سوی سازمان ملل متحد ندارد. (امیدی و رضایی، ۱۳۹۰: ۱۱۴)

از توجیحات دولت روسیه که مهمترین آنها ضرورت پاسداری از جان و مال شهروندان روسی در اوستیای جنوبی بوده است، دو نکته بر می‌آید: نخست اینکه کسانی که دولت روسیه از آنان بعنوان شهروند روسیه یاد کرده است در حقیقت شهروندان گرجستانی بوده‌اند و مسکو برخلاف موازین حقوق بین‌الملل، با دادن گذرنامه روسی به ساکنان آبخازیا و اوستیای

● در سند سیاست خارجی روسیه در ۲۰۱۳ آمده است: برخی رفتارها به بهانه پشتیبانی از انسانها، اقتدار قانونی دولت‌ها را به نابودی می‌کشاند و تنها به گسترش برخورد، افزایش تنش و رقابت تسلیحاتی میان دولت‌ها و بالا گرفتن کشمکشهای مذهبی و قومی می‌انجامد.

ولی از سوی دیگر، روسیه در زمینه پشتیبانی از شهروندانش و نیز دولت‌هایی که آنها را همپیمان تاریخی خود می‌شناسد، چندان به حاکمیت سنتی روی خوش نشان نمی‌دهد. به‌سخن دیگر، زمانی که پای خواست و منافع روسیه در میان باشد، این اصل نادیده گرفته می‌شود.

● بحران اوستیای جنوبی نقطه عطفی در راهبردهای روسیه به شمار می‌رود. روسیه در تلاش برای بازیابی قدرت از دست رفته اتحاد جماهیر شوروی، خیز بزرگی در راستای تقویت جایگاه بین‌المللی خود برداشت و سیاستهای آمریکا را که در پی افزایش قدرت و نفوذ خود در منطقه بود به چالش کشید. از آن زمان، روسیه سکوت و انفعال در برابر رفتارهای غرب در حوزه پیرامونی خود را کنار گذاشت.

پیش گرفتند و با دادن رأی ممتنع به قطعنامه ۱۹۷۳، نظاره‌گر حمله نظامی به چارچوب اصل مسئولیت پشتیبانی شدند، ولی به زودی در مخالفت با آن سخن گفتند؛ هرچند این سخنان هماهنگ نبود. پوتین در مقام نخست‌وزیر روسیه با قطعنامه ۱۹۷۳ سخت مخالفت ورزید و با محکوم کردن حمله نیروهای غربی به لیبی، قطعنامه شورای امنیت را «غیر منطقی و ناقص» نامید و اقدام غرب را «همانند لشکرکشی‌های صلیبی در قرون وسطی» دانست. در برابر، مدودف رییس‌جمهوری روسیه گفت: «صدور این قطعنامه اشتباه نبوده است» و افزود: «بر آنم که این قطعنامه بر سر هم بازتاب‌دهنده درک ما از چیزی است که در لیبی در حال وقوع است». اما این ایستار چندان پایدار نبود و مدودف به زودی با ایستار پوتین همگام شد. (تابناک ۱۳۹۰/۱/۷)

کشته شدن شماری غیرنظامی هم دستاویزی برای روسها فراهم کرد تا به انتقاد از عملیات بپردازند. وزارت خارجه روسیه بی‌درنگ پس از نخستین حمله‌های نظامی، قطعنامه شورای امنیت را عجولانه خواند و با انتشار اخبار تلفات غیرنظامیان، خواستار توقف سریع حمله‌ها شد. وزارت خارجه روسیه بویژه اعلام کرد که حملات نظامی نیروهای ائتلاف از حدود تعیین شده در قطعنامه شورای امنیت فراتر رفته، زیرا موجب مرگ ۵۰ تن غیر نظامی و نابودی تأسیسات شهری از جمله مراکز درمانی شده است. (تابناک، ۱۳۹۰/۱/۷)

عملیات نظامی در لیبی به سقوط قذافی و فروپاشی دولت لیبی انجامید، درحالی‌که هدف نخستین، تنها

از جمله «گزینه نظامی» را در پیش گیرند. این قطعنامه، با ۱۰ رأی موافق در برابر پنج رأی ممتنع تصویب شد. روسیه، چین، آلمان، برزیل و هند به این قطعنامه رأی ممتنع دادند.

بدین‌سان، اجازه دخالت نظامی کشورها در لیبی صادر شد و حملات هوایی ناتو و دیگر کشورها که جنبه قانونی یافته بود، پشت نیروهای دولتی را شکست. نیروهای مخالف قذافی به سمت پایتخت لیبی پیشروی کردند و طرابلس را گرفتند. در بیستم اکتبر ۲۰۱۱ قذافی دستگیر و کشته شد و شهر «سرت» یکسره به‌دست انقلابیون افتاد و حکومت ۴۲ ساله «معمّر قذافی» به پایان رسید. (تابناک، ۱۳۹۱/۱/۳۰)

درباره رفتار روسیه در قضیه لیبی پرسشها و ابهامات بسیار وجود دارد. انتظار می‌رفت که روسیه همچون گذشته در برابر آمریکا و غرب در شورای امنیت بایستد و برپایه اصل ممنوع بودن دخالت در امور داخلی کشورها و کاربرد زور، این بار نیز با صدور قطعنامه‌ای که راه را برای دخالت نظامی در کشورها هموار سازد مخالفت کند. پیش از آن، روسیه بعنوان عضو دائم شورای امنیت با بهره‌گیری از حق وتو در قضایایی چون جنگهای بالکان در دهه نود، اشغال عراق در ۲۰۰۳، تحریم حکومت رابرت موگابه در زیمبابوه در ۲۰۰۸ و صدور حکم دستگیری عمر البشیر رییس‌جمهوری سودان با استناد به اصل ممنوع بودن دخالت در امور داخلی کشورها یا کاربرد زور برای سرنگون کردن حکومت یک کشور، با قطعنامه‌های پیشنهاد شده از سوی کشورهای غربی مخالفت کرده بود و تنها مورد استثنایی، موافقت شوروی با قطعنامه دایر بر کاربرد زور برای بیرون راندن نیروهای صدام حسین از کویت بود که آنهم پس از احراز تجاوز عراق به کویت از سوی سازمان ملل و تنها در حد اخراج اشغالگر از کشور اشغال شده صورت گرفت، نه بیشتر. (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۰/۴/۲۹)

چنان‌که پیشتر گفته شد، نظرها درباره اصل مسئولیت پشتیبانی همسان نیست و اجرای این اصل با مخالفت بسیاری از کشورها روبه‌رو شده است. در بحران لیبی، روسها با اینکه سیاست صبر و انتظار در

به تصویب شورای امنیت رسید و تنها دو روز بعد، عملیات نظامی آغاز شد. به نظر می‌رسد که شتاب رویدادها و واکنش سریع شورای امنیت، تا اندازه‌ای روسها را غافلگیر و در موافقت یا مخالفت با دخالت بشردوستانه دچار تردید کرده بوده است و از این رو چاره‌ای نمی‌دیده‌اند جز اینکه راه سوم را برگزینند و تا پیدا شدن چشم‌اندازی روشنتر، صبر پیشه کنند. روسیه اندک زمانی پس از آغاز عملیات نظامی در لیبی، مخالفت خود با آنرا اعلام کرد. (دیپلماسی ایرانی، ۱۳۹۰/۵/۲۲)

پ - بحران سوریه

بحران سوریه با اعتراضها در شهر درعا در مارس ۲۰۱۱ آغاز و رفته‌رفته به دیگر جاها کشیده شد و روابط سنتی و دیرپای روسیه و سوریه را وارد مرحله‌ای تازه کرد. در جریان بحران سوریه که پیوسته دامنه‌دارتر و پیچیده‌تر می‌شد، روسیه در برابر کشورهای غربی، ترکیه و برخی کشورهای عربی به رهبری عربستان، در کنار نظام سیاسی سوریه قرار گرفت و به پشتیبانی سیاسی، اقتصادی و نظامی از دولت بشار اسد کمر بست. شاید وتو کردن چندین قطعنامه شورای امنیت بر ضد نظام سیاسی سوریه را بتوان نماد پشتیبانی قاطع مسکو از رژیم بشار اسد دانست. (زرگر، ۱۳۹۲: ۶۶)

بحران سوریه ویژگیهایی دارد که آنرا از بحرانهایی گرجستان و لیبی متمایز می‌کند. نخستین ویژگی، به درازا کشیدن بحران است. اگر بازه زمانی بحران گرجستان چند روز و بازه زمانی بحران لیبی چند ماه بوده، بحران سوریه با گذشت بیش از شش سال هنوز پایان نیافته است. دوم، پیچیدگی بحران و شمار طرفهای درگیر در آن است. دامنه بحران از مرزهای سوریه فراتر رفته و در سطوح منطقه‌ای و بین‌المللی بازتاب یافته است. در سطح داخلی، دولت، معارضان سوری، داعش و النصره مهمترین نیروهای درگیر بوده‌اند که معارضان سوری خود به چند گروه تقسیم می‌شوند. در سطح منطقه‌ای، ایران و عراق در کنار دولت سوریه و عربستان، قطر و ترکیه در کنار معارضان سوری ایستادند که پس از چندی مواضع ترکیه تا اندازه‌ای تغییر کرد و به جبهه روسیه و ایران نزدیک شد. در سطح جهانی هم شاهد

تأمین امنیت شهروندان بود. در واقع عملیات ناتو در لیبی در چارچوب قطعنامه ۱۹۷۳ زمینه را برای پیشرفت مخالفان دولت لیبی آماده کرد و چند ماه پس از آغاز عملیات، قذافی در اکتبر به دست نیروهای مخالف دولت افتاد و کشته شد. چنان‌که از شواهد هم برمی‌آید، در آغاز، برکنار کردن قذافی از قدرت در دستور کار نبوده است. در این زمینه رییس ستاد مشترک ارتش آمریکا در مصاحبه‌ای با خبرنگاران در پنتاگون در نخستین ماههای دخالت نظامی در لیبی گفته بود که قذافی در فهرست هدفهای حملات هوایی نیروهای ائتلاف قرار ندارد. (<http://www.gaddafi.blogfa.com>)

نکته دیگر در مورد تصویب و اجرای قطعنامه ۱۹۷۳، شک و ابهام درخصوص دامنه و شدت خطر بود. این پرسش وجود داشت که آیا براستی تهدیدات در لیبی چنان سنگین بوده است که عملیات نظامی را ایجاب کند؟ هنوز پنجاه روز از تحرکات مخالفان دولت نگذشته بود که نخستین قطعنامه در مورد لیبی صادر شد و کمتر از ۲۰ روز پس از آن، قطعنامه دوم

● درباره رفتار روسیه در قضیه لیبی پرسشها و ابهامات بسیار وجود دارد. انتظار می‌رفت که روسیه همچون گذشته در برابر آمریکا و غرب در شورای امنیت بایستد و برپایه اصل ممنوع بودن دخالت در امور داخلی کشورها و کاربرد زور، این بار نیز با صدور قطعنامه‌ای که راه را برای دخالت نظامی در کشورها هموار سازد مخالفت کند. پیش از آن، روسیه بعنوان عضو دائم شورای امنیت با بهره‌گیری از حق وتو در قضایایی چون جنگهای بالکان در دهه نود، اشغال عراق در ۲۰۰۳، تحریم حکومت رابرت موگابه در زیمبابوه در ۲۰۰۸ و صدور حکم دستگیری عمر البشیر رییس‌جمهوری سودان با استناد به اصل ممنوع بودن دخالت در امور داخلی کشورها یا کاربرد زور برای سرنگون کردن حکومت یک کشور، با قطعنامه‌های پیشنهاد شده از سوی کشورهای غربی مخالفت کرده بود.

● در کشمکش میان دو مقوله حاکمیت و حقوق بشر که نکته محوری در بحث مسئولیت پشتیبانی است، رویکرد روسها یکدست نبوده است. در بحران آبخازیا، دولت روسیه به حقوق بشر استناد و حمله نظامی به این منطقه را به بهانه پشتیبانی از نیروهای پاسدار صلح روسی توجیه کرد، ولی در بحرانهای لیبی و سوریه، پشتیبانی از حاکمیت برتری یافت. گرچه در لیبی پشتیبانی از حاکمیت با تأخیر همراه بود و روسها به مخالفت زبانی با حمله نظامی به آن کشور بسنده کردند، ولی در مورد سوریه همه ابزارها و شیوه‌ها را به کار گرفتند، از وتو کردن قطعنامه‌های شورای امنیت گرفته تا دست زدن به حمله نظامی برای رویارویی با داعش و نیروهای درگیر ستیز با ارتش سوریه و....

پشتیبانی را دریافت. روسها از آغاز با هر گونه عملیات نظامی در سوریه مخالفت کردند و کوشیدند روند قطعنامه‌ها را به سوی مذاکره بویژه تشکیل هیأت نظارت سازمان ملل سوق دهند. بدین سان، پس از وتو کردن پیش‌نویس نخستین قطعنامه، به قطعنامه‌های ۲۰۴۲ و ۲۰۴۳ در ۱۴ آوریل و ۲۱ آوریل ۲۰۱۲ رأی مثبت دادند. قطعنامه ۲۰۴۲ نخستین قطعنامه مصوب شورای امنیت در مورد سوریه بود که در آن، ضمن حمایت از فرستاده مشترک سازمان ملل و اتحادیه عرب در امور سوریه به تعهد این کشور نسبت به اجرای پیشنهاد شش ماده‌ای کوفی عنان اشاره می‌شد. در این قطعنامه، نقض گسترده حقوق بشر توسط مقامات سوری و نیز گروههای مسلح محکوم و توقف هر چه زودتر خشونت‌ورزی طرفهای درگیر خواسته شده بود. برپایه قطعنامه ۲۰۴۳ نیز «هیأت نظارت سازمان ملل در سوریه» دربرگیرنده ۳۰۰ ناظر نظامی غیر مسلح و شماری غیر نظامی تشکیل می‌شد تا در یک دوره زمانی ۹۰ روزه بر روند توقف عملیات نظامی و خشونت مسلحانه از سوی دولت و گروههای معارض و نیز اجرای کامل طرح ۶ ماده‌ای کوفی عنان نظارت کنند. (امام جمعه‌زاده و دولت‌خواه، ۱۳۹۴:۷۴)

پاگرفتن دو جبهه آمریکا، انگلیس و فرانسه در برابر جبهه روسیه و چین بویژه در شورای امنیت سازمان ملل بوده‌ایم.

از آغاز بحران سوریه در ۲۰۱۱ تا پایان ۲۰۱۷، برسرهم ۳۶ قطعنامه درباره سوریه در شورای امنیت مطرح شد که ۲۲ قطعنامه با رأی مثبت یا ممتنع پنج عضو دائم شورا به تصویب رسید و پیش‌نویس ۱۴ قطعنامه با وتوی روسیه روبه‌رو شد که گاهی با وتوی چین نیز همراه بود. (<http://www.securitycouncilreport.org>)

بر سر کاربرد اصل مسئولیت پشتیبانی در بحران سوریه و بویژه دخالت نظامی در راستای حمایت از شهروندان مورد تهدید، دو جبهه پا گرفت. آمریکا، انگلیس و فرانسه از آغاز بحران در پی اعمال مسئولیت پشتیبانی و اقدام نظامی برضد دولت سوریه بودند که این سیاست به علت مخالفت روسیه و چین و بروز تحولات تازه در سوریه کمرنگ شد اما بعنوان یکی از گزینه‌ها باقی ماند.

روسیها می‌کوشیدند از کاربرد زور بر ضد دولت سوریه در پوشش مسئولیت پشتیبانی جلوگیری کنند. پیش‌نویس نخستین قطعنامه شورای امنیت در این زمینه در چهارم اکتبر ۲۰۱۱ از سوی روسیه و چین وتو شد.

روسیه برای توجیه اقدام خود در وتو کردن این قطعنامه، چهار دلیل عنوان کرد: نخست، در این قطعنامه به حاکمیت ملی، یکپارچگی سرزمینی سوریه و اصل خودداری از دخالت در امور داخلی کشورها، توجه کافی نشده است. دوم، از نگاه روسیه این قطعنامه بر منطق رویارویی استوار است، درحالی‌که می‌بایست بر مذاکره میان گروههای سوری با هدف دستیابی به صلح و توافق ملی بر سر اصلاحات بایسته متمرکز باشد؛ سوم، در سوریه هر دو طرف درگیر به خشونت دست می‌زنند؛ و چهارم اینکه روسیه با دخالت نظامی در سوریه همچون لیبی، سخت مخالف است. (Zifcak, 2011:19)

با بررسی قطعنامه‌های شورای امنیت درباره سوریه، بهتر می‌توان مواضع روسیه در پیوند با مسئولیت

و القاعده به میدان، فشار بیرونی بر دولت سوریه در این زمینه کمتر شد و بویژه در شورای امنیت، نگاهها به سمت داعش برگشت و چند قطعنامه بر ضد داعش و گروه النصره (از جمله قطعنامه‌های ۲۱۷۰، ۲۱۷۸، ۲۱۹۹ و ۲۲۴۹) به تصویب رسید.

(<http://www.securitycouncilreport.org>)

روسیه برای جلوگیری از تکرار شدن وضع لیبی در سوریه، از راهکارهای گوناگون، از گفتگوهای دوسویه با رژیم بشار اسد گرفته تا مذاکرات در چارچوب سازمان ملل، گروه جی ۸، سازمان همکاریهای اسلامی، اتحادیه عرب و... برای متوقف کردن جنگ داخلی سوریه بهره جست. مسکو بر آن بود که نقش نظارتی و میانجیگرانه شورای امنیت در صورتی معتبر خواهد ماند که این نهاد بتواند با پرهیز از دخالت نظامی غیر ضرور، به دشمنی‌ها پایان دهد. از این رو، از میانجی‌گری کوفی عنان سخت پشتیبانی کرد. (Nikitin, 2012:9)

برسره‌م، گستردگی و پیچیدگی بحران سوریه و نقش برجسته روسیه و تا اندازه‌ای چین، مانع از اجرای مسئولیت پشتیبانی بویژه دخالت بشردوستانه و اقدام نظامی بین‌المللی در سوریه شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، رویکرد روسیه به مسئولیت پشتیبانی بررسی و به عوامل اثرگذار در این زمینه، در سه سطح پرداخته شد: نخست، اثرپذیری از دیدگاه سیاسی حاکم بر سیاست خارجی روسیه. سیاست خارجی روسیه بویژه در دوران پوتین، بیشتر بر راهبرد موازنه استوار بوده است. از این رو در کشمکش میان دو مقوله حاکمیت و حقوق بشر که نکته محوری در بحث مسئولیت پشتیبانی است، رویکرد روسها یکدست نبوده است. در بحران آبخازیا، دولت روسیه به حقوق بشر استناد و حمله نظامی به این منطقه را به بهانه پشتیبانی از نیروهای پاسدار صلح روسی توجیه کرد، ولی در بحرانهای لیبی و سوریه، پشتیبانی از حاکمیت برتری یافت. گرچه در لیبی پشتیبانی از حاکمیت با تأخیر همراه بود و روسها به مخالفت زبانی با حمله نظامی به آن کشور بسنده کردند، ولی در مورد سوریه

گفتنی است که روسها همچنان با فشار سنگین آمریکا، انگلیس و فرانسه و برخی دیگر از اعضای شورای امنیت برای دست زدن به عملیات نظامی در برابر دولت سوریه روبه‌رو بودند و این فشار، با وقوع حمله شیمیایی در مارس ۲۰۱۳ در حومه دمشق به اوج رسید. دولت آمریکا، بی‌درنگ دولت سوریه را عامل این رویداد شناخت و خواهان حمله نظامی به این کشور شد. در پی آن، قانونگذاران آمریکایی نیز خواستار واکنش نظامی سخت از جمله اعلام ممنوعیت پرواز هواپیماها در آسمان سوریه شدند و کمیته روابط خارجی سنای آمریکا، در چهارم سپتامبر ۲۰۱۳ با اکثریت آراء (هفت رأی از مجموع ۱۰ رأی) دست زدن به اقدام نظامی بر ضد سوریه را تأیید کرد. (Brown, 2013:6) با توجه به احتمال حمله نظامی آمریکا به سوریه، روسها راهکار تازه‌ای پیش کشیدند و توانستند جای حمله نظامی را با خلع سلاح شیمیایی دولت سوریه عوض کنند. قطعنامه‌های بعدی دایر بر دخالت نظامی در سوریه نیز که از سوی کشورهای غربی پیشنهاد شده بود، با وتوی روسیه روبه‌رو شد. در نخستین مراحل بحران سوریه، فشارهای بین‌المللی متوجه بشار اسد بود و روسها نیز بیشتر بر حمایت از سوریه تأکید داشتند تا شخص بشار اسد، ولی در گذر زمان و با مشخص شدن جبهه‌گیریها در این زمینه، پشتیبانی روسها از بشار اسد بیشتر شد، بویژه از آن رو که ایران نیز بعنوان یک قدرت منطقه‌ای در کنار روسیه قرار گرفت.

آنچه ویژگی بحران سوریه شمرده می‌شود و آنرا از بحران لیبی متمایز می‌کند، نقض حقوق بشر از سوی همه طرفهای درگیر است. قطعنامه‌های سازمان ملل درباره سوریه نیز گویای این نکته است. در قطعنامه‌های شورای امنیت بویژه در پیوند با چند حمله شیمیایی در نقاط مختلف سوریه، هیچ‌یک از طرفهای درگیر، آشکارا متهم نمی‌شود بلکه از همه طرفها خواسته می‌شود حقوق بشر را رعایت کنند. گرچه در نخستین مراحل بحران، تنها دولت سوریه بود که به نقض حقوق بشر متهم می‌شد، ولی با رو کردن مخالفان دولت سوریه به جنگ مسلحانه و سپس ورود داعش

● روسیه قدرتی است بزرگ و سرزمینهای پیرامونش را با عنوان «خارج نزدیک»، حوزه نفوذ یا باصطلاح حیاط خلوت خود می‌داند و از این رو هرگونه دخالت دیگران بویژه در چارچوب مسئولیت پشتیبانی در این سرزمینها را بر نمی‌تابد، ولی خودش در گرجستان دست به دخالت نظامی می‌زند و به مسئولیت پشتیبانی استناد می‌کند. اقدامات گسترده روسها در سوریه را که در محدوده «خارج نزدیک» نمی‌گنجد، باید در گستره قدرت بین‌المللی روسیه بررسی کرد.

دانشگاه آزاد اسلامی شهرضا، شماره ۶، بهار.

- حسینی، علی و آئینه‌وند، حسن (۱۳۹۴)، «تجزیه و تحلیل تأثیر اندیشه نئوآوراسیاگرایی بر سیاست خارجی روسیه در بحران اوکراین ۲۰۱۴»، فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۹۲.

- ذاکرین، مهدی و مهدوی‌پور، راضیه (۱۳۹۵)، «منزلت هژمونیک و موضع آمریکا در برابر مسئولیت حمایت در نظام بین‌الملل»، پژوهشنامه علوم سیاسی، سال دوازدهم، شماره اول، زمستان

- زرگر، افشین (۱۳۹۲)، «مواضع روسیه در قبال تحولات سوریه ۲۰۱۳-۲۰۱۱»، آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۸۲

- زمانی، سید قاسم و زمانیان، سورنا (۱۳۹۵)، «جایگاه دکترین مسئولیت حمایت در سوریه»، مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۶، شماره ۳، پاییز.

- زمانی، سید قاسم و دیگران (۱۳۹۶)، «بررسی مسئولیت شورای امنیت در اعمال دکترین مسئولیت حمایت»، پژوهشهای حقوق تطبیقی، دوره ۲۱، شماره ۱، بهار.

- ساعد وکیل، امیر (۱۳۸۹)، «وضعیت دارفور و غزه، میدان آزمون نظریه مسئولیت حمایت»، پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۲، بهار.

- سلطان‌زاده، سجاد (۱۳۸۸)، «بررسی حقوقی استناد روسیه به دکترین مسئولیت حمایت در حمله به گرجستان»، سیاست خارجی، سال بیست و سوم، شماره ۴، زمستان.

- سواری، حسن و حسینی بلوچی، مهدی (۱۳۹۰)، «نظریه مسئولیت حمایت از حرف تا عمل»، پژوهش حقوق، سال سیزدهم، شماره ۳۲، بهار.

همه ابزارها و شیوه‌ها را به کار گرفتند، از تو کردن قطعه‌نامه‌های شورای امنیت گرفته تا دست زدن به حمله نظامی برای رویارویی با داعش و نیروهای درگیر ستیز با ارتش سوریه و... دوم، وجود نکته‌های ناروشن و پرسشهای گوناگون درباره مسئولیت پشتیبانی است که تصمیم‌گیری شورای امنیت بر سر بحرانهای بین‌المللی را دشوار می‌سازد. برای نمونه، در بحران لیبی روسها پرسشهایی از این دست پیش کشیدند: آیا پشتیبانی از حقوق بشر در گرو سقوط رژیم قذافی بوده است؟ چرا دخالت نظامی به کشته شدن غیر نظامیان انجامیده است؟ آیا این حمله نظامی موفق بوده و اگر موفق بوده با چه هزینه‌ای؟ و... در بحران سوریه، روسیه با توجه به آنچه در لیبی پیش آمده بود کوشید روند کارها را از دخالت نظامی نیروهای بین‌المللی به سمت نظارت سازمان ملل و گفتگوهای دیپلماتیک ببرد. سوم، اندازه قدرت کشورهاست که بر رویکردشان به مسئولیت پشتیبانی اثر می‌گذارد. روسیه قدرتی است بزرگ و سرزمینهای پیرامونش را با عنوان «خارج نزدیک»، حوزه نفوذ یا باصطلاح حیاط خلوت خود می‌داند و از این رو هرگونه دخالت دیگران بویژه در چارچوب مسئولیت پشتیبانی در این سرزمینها را بر نمی‌تابد، ولی خودش در گرجستان دست به دخالت نظامی می‌زند و به مسئولیت پشتیبانی استناد می‌کند. اقدامات گسترده روسها در سوریه را که در محدوده «خارج نزدیک» نمی‌گنجد، باید در گستره قدرت بین‌المللی روسیه بررسی کرد.

منابع

- ابوالحسن شیرازی، حبیب‌الله و نادری، ذبیح‌الله (۱۳۸۹)، «تقابل سیاست خارجی روسیه و آمریکا در گرجستان»، علوم سیاسی و روابط بین‌الملل، دوره ۳، شماره ۱۳.

- امام جمعه‌زاده، سید جواد و دولت‌خواه، زهرا (۱۳۹۴)، «دکترین مسئولیت: بررسی تطبیقی رویکرد اعضای دائم شورای امنیت در قبال بحران سوریه و لیبی»، راهبرد، سال بیست و چهارم، شماره ۷۷، زمستان.

- امیدی، علی و رضایی، مسعود (۱۳۹۰)، «ملاحظات حقوقی جنگ روسیه و گرجستان»، تحقیقات سیاسی و بین‌المللی

- Ferdinand, Peter(2013), "The Positions of Russia and China at the UN Security Council in the Light of Recent Crises", [https:// www. files. ethz. ch/ isn/ 164891/ bp131.pdf](https://www.files.ethz.ch/isn/164891/bp131.pdf).
- Garwood, Andrew(2013), "The Responsibility to Protect and the Arab Spring:Libya as the Exception, Syria as the Norm?", [http:// www. unswlawjournal. unsw. edu. au/ sites/ default/ files/10_garwood-gowers_unswlj_362.pdf](http://www.unswlawjournal.unsw.edu.au/sites/default/files/10_garwood-gowers_unswlj_362.pdf).
- [http:// www. gaddafi. blogfa. com /9001. aspx 2/1/1390](http://www.gaddafi.blogfa.com/9001.aspx/2/1/1390)
- Herz, Monica and Ruy de Almeida Silva, Antonio(2011), "Brics and Peacekeeping Operations", [http:// bricspolicycenter. org/ homolog/ uploads/ trabalhos /2732/ doc/980910839.pdf](http://bricspolicycenter.org/homolog/uploads/trabalhos/2732/doc/980910839.pdf).
- Indian High Commission (2011), "Sanya Declaration" ([http://www.hcindia-au.org/pdf/Sanya %20 Declaration.pdf](http://www.hcindia-au.org/pdf/Sanya%20Declaration.pdf)) (consulted 10 February 2012).
- Laskaris, Stamitas and Kreutz. Joakim(2015),"Rising Powers and the Responsibility to Protect:Will the Norm Survive in the Age of BRICS", [http:// www. medsci. uu. se/ digitalAssets /151/c_151892-1_1-k_laskaris_kreutz_2015_ final_oa.pdf](http://www.medsci.uu.se/digitalAssets/151/c_151892-1_1-k_laskaris_kreutz_2015_final_oa.pdf).
- Ministr of Foreign Affairs of the Russian Federation(2013), "Concept of the Foreign Policy of the Russian Federation", 12 Feb [http:// archive. mid. ru// brp _4.nsf /0/76389 FEC 168189 ED 44257 B2 E0039 B16D](http://archive.mid.ru/brp_4.nsf/0/76389FEC168189ED44257B2E0039B16D)
- Molier,Gelijn(2006), "Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect after 9/11", **Netherlands International Law Review** LIII.
- Moll Austgulen, Mads(2014), "Russia s Approaches to Military Interventions: A Comparative Case Study of Georgia and Syria" [https:// www. google. com/ url? url =https://](https://www.google.com/url?url=https://)
- شریفی طراز کوهی، حسین و فتح پور، فاطمه (۱۳۹۶)، «الزامات مقابله با تروریسم در پرتو روند انسانی شدن حقوق بین الملل»، *مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز*، دوره نهم، شماره دوم، تابستان.
- شهبازی، آرامش (۱۳۹۴)، «مفهوم دولت فوکوئی و مسئولیت حمایت در حقوق بین الملل معاصر»، *دولت پژوهی*، سال اول، شماره دوم.
- قامت، جعفر (۱۳۸۸)، «کالبد شکافی بحران گرجستان»، *دانشنامه*، دوره ۲، شماره ۳.
- نیکنام ابرکوه، بهناز (۱۳۹۵)، «دکترین مسئولیت حمایت: ارتقاء حقوق بشر یا تئوری جنگ عادلانه»، *سیاست خارجی*، سال سی ام، شماره ۳، پاییز.
- نوروزی، حسین و جوانشیری، احمد (۱۳۸۴)، «شورای امنیت و تحول مداخلات بشردوستانه پس از جنگ»، *مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران*، شماره ۶۹، پاییز.
- واعظی، محمود (۱۳۸۹)، «نظام نوین بین الملل و مدیریت بحرانهای بین المللی»، *راهبرد*، سال نوزدهم، شماره ۵۶، پاییز.
- هسن، برت و دیگران (۱۳۹۰)، *راهبردهای امنیتی و نظم جهانی آمریکایی*، ترجمه سید امیر نیاکویی و احمد جانسیز، رشت: انتشارات دانشگاه گیلان.
- خبرگزاری فارس - خبرگزاری مهر - سایت تابناک - سایت دیپلماسی ایرانی - سایت رسانه ایران
- Adams, Simon(2014), "Failure to Protect: Syria and the UN Security Council", [http://www. globalr 2p. org/ media/ files/syriapaper_final.pdf](http://www.globalr2p.org/media/files/syriapaper_final.pdf).
- Baaz, Mikael(2015), " International Law is Different in Different Places: Russia Interpretations and Outlooks", [http://www. ejil. org/pdfs/26/3/2610.pdf](http://www.ejil.org/pdfs/26/3/2610.pdf).
- Badescu,CristinaGabriela(2011),**Humanitarian Intervention and the Responsibility to Protect**, Routledge.
- Bohm, Alexander (2016), " Security and International Law:the Responsibility to Protect", [http:// eprints. whiterose. ac. uk/ 89940/3/ The%20 responsibility %20 to %20protect.pdf](http://eprints.whiterose.ac.uk/89940/3/The%20responsibility%20to%20protect.pdf).

-Rae, Heather and Orchard, Phil(2016), "Russia and the Responsibility to Protect", <https://www.google.com/url?url=https://r2pasiapacific.org/filething/get/2628/>
<http://www.securitycouncilreport.org/undocuments/>
 -Van der Lijn, Jair and others(2014), "Peacekeeping Operations in a Changing World", <https://www.clingendael.org/sites/default/files/Peacekeeping%20operations%20in%20a%20changing%20world.pdf>.
 -Zifcak, Spencer(2011), "The Responsibility to Protect after Libya and Syria", <http://responsibilitytoprotect.org/libyasyria%20mjil-FINAL%20.pdf>.

www.duo.uio.no/bitstream/handle/10852/42323/Austgulen_Master.pdf.
 -Morris, Justin(2013), «Libya and Syria: R2P and the Spectre of the Swinging Pendulum», http://www.operationspaix.net/DATA/DOCUMENT/8104~v~Libya_and_Syria_R2P_and_the_Spectre_of_the_Swinging_Pendulum.pdf.
 -Nikitin, Alexander(2012), «Russia as a Permanent Member of the UN Security Council», <http://library.fes.de/pdf-files/iez/09461.pdf>.
 -Paris, Roland(2014), "Responsibility to Protect and the Structural Problems of Preventive Humanitarian Intervention", **International Peacekeeping**, Vol.21, No.5.
 -Peters, Anne(2009), "Humanity as the A and Q of Sovereignty", **The European Journal of International Law**, Vol.20, No.3.